

نگاه

درباره شاهکار جانی روداری «روزی که در میلان از آسمان کلاه می‌بارید»

دنیایی بی‌هم‌وغم جهانی بی جنگ‌وننگ



غلامرضا امامی

● «جانی روداری، چنان توانایی و قدرتی در به‌کاربردن ابزار بیان و بهره‌گیری از آن برای آموزش در رابطه با تصور و خیال دارد که هیچ نویسنده دیگری به ی‌ا توان و نمی‌رسد».

ایتالو کالوینو کمتر کسی در ایتالیا و یهنه ادب جهانی است که نامی از این نویسنده شهره ایتالیایی نشنیده باشد، نویسنده‌ای که کتاب‌هایش به بیش از سی‌ی زبان زنده دنیا ترجمه شده و هرساله میلیون‌ها نسخه از قصه‌هایش شعله شادی و امید در جان‌ها می‌افروزد. روداری که امسال صدمین سالگرد زادروز اوست زاده به سال ۱۹۲۰ در شهر رزبای «آمنیا» ست. شهری کنار دریایچه «ورتا». کودکی و دوران ابتدایی نخست وی در زادگاهش گذشت در کنار برادرش چزاره که سخت به وی دل بسته بود. پدر ناو بود. ناوایی که غم مردم داشت و آرزوی خود و پدر را در سروده‌ای چنین سرود:

نان

اگر من ناوا بودم دوست داشتم نانی بزرگ بیزم به‌قدری بزرگ که همه‌ی گرسنه‌ها، همه‌ی کسانی که چیزی برای خوردن ندارند سیر شوند نانی بزرگ‌تر از خورشید به رنگی طلایی، به عطری مثل عطر گل بنفشه برای خوردن چنین نانی از هند و شیلی می‌آمدند همه‌ی فقیرها، همه‌ی بچه‌های گرسنه همه‌ی فقیرها و همه‌ی پرندگان می‌آمدند آن روز یک روز تاریخی خواهد بود روزی بدون گرسنگی زیباترین روز تاریخ، همه‌ی تاریخ.

از بخت بد، پدر وی در ده‌سالگی درگذشت و جانی روداری از ناچاری به شهری دیگر هجرت کرد. مادر وی را به مدرسهٔ شایه‌روزی کشیش‌شان روانه کرد. مدرسه‌ای که با روح آزاده و اندیشه بلندش سازگار نبود و پس از یک سال مدرسه را رها کرد. مدرسه‌ای که آن را زندان می‌نامید. وی اعتقاد داشت: «هر نوع نظم تحمیلی، آفرینش و خلاقیت را در کودکان از میان می‌برد و اندیشه آنان را نابود می‌سازد و از پرواز در آسمان آبی تخیل بازمی‌دارد». روداری به سال ۱۹۳۹ هم‌زمان با شعله‌ورشدن جنگ جهانی دوم به دانشکده ادبیات دانشگاه میلان رفت. اما پس از چندی دانشگاه را رها کرد. به معلمی روی آورد، به جبهه جنگ ترفت و در بیمارستان به مداوای مجروحان پرداخت. برادر دل‌بنده‌ش از اردوگاه نازی‌ها فرستاده شد و دو دوست دیرینش را آتش جنگ سوزاند. جانی روداری در سخت‌ترین شرایط غم‌انگیز، میان بچه‌ها رفت. قصه‌هایش را برای آنها خواند و دنیایی شاد و امیدوار برایشان آفرید. کتاب «روزی که در میلان از آسمان کلاه می‌بارید» بیست داستان کوتاه شاد اوست، زیباترین حسن این کتاب این است که برای هر قصه‌ای سه پایان پیشنهاد می‌کند و به خوانندگان می‌گوید من نظر و پایان قصه را در آخر کتاب آورده‌ام، اما هر کسی می‌تواند خودش پایانی بیافریند و قصه‌های شاد و پرامید برای روزهای سخت



و صعب. کتاب «روزی که در میلان از آسمان کلاه می‌بارید»، با ترجمه دکتر چنگیز داوریانه، استاد ادبیات فارسی دانشگاه رم، از متن ایتالیایی و با پرداخت رایت کتاب توسط نشر هوپا اخیرا نشر یافته است. نشر هوپا در مجموعه شاهکارهای جانی روداری سه کتاب دیگر هم منتشر کرده است:

یک. «یکی بود که خودش نبود». داستان بلند زندگی پیرمردی نودوسه‌ساله به نام «لامبرتو». بسیار ثروتمند، صاحب ۲۴ بانک جهانی، ساکنان جزیره‌ای در ایتالیا با ۲۴ بیماری که ۲۴ خدمتکارش شبانه‌روز باید ناشی را تکرار کنند. دو. «پس در دیار دروغگوها». داستان زندگی پسری به نام «پاس» که از زمان تولد صدای بلندی دارد و ماجراهای جذاب زندگی‌اش.

سه. «فروشگاه ساحره». داستان جالب پسر بچه‌ای با اسباب‌بازی‌ها و آرزوهایش.

کتاب زیبای شاد پرامید «روزی که در میلان از آسمان کلاه می‌بارید». کتابی است برای همه. بیست داستان کوتاه این کتاب در بچه‌هایی از نور در تونل سیاه زمانه رویاروی دل و دیده می‌گشاید. کتابی است که نور امید را در همه جان‌ها می‌دهد و جهان می‌پرکند. روداری در شعری چنین می‌گوید:

امید

اگر من دکان و دکه کوچکی داشتم

که فقط یک اتاق داشت

می‌دانی چه می‌کردم و چه چیزی می‌فروختم؟

«امید» می‌فروختم

امید با قیمتی خیلی ارزان

به هر مشتری به‌اندازه‌ی شش نفر می‌فروختم

و به مردم فقیری که پولی برای زندگی و خرید نداشتند

به همه «امید» می‌بخشیدم

بی‌آن‌که از آن‌ها پولی بگیرم.



فواد نظیری

در این سال‌های دهه ۱۰۹۰ از صدرالدین الهی، روزنامه‌نگار مؤلف و پیشکسوت، دو کتاب مهم و بسیار خواندنی منتشر شده است. یکی حدیث نفس او – بیوگرافی – با عنوان در «بازارچه‌ی زندگی با سعدی»، و دیگری «نقد بی‌غش» مجموعه گفت‌وگوهای الهی با پرویز ناتل خانلری. این دو کتاب که دو وجه مجزا از کارنامه قلمی الهی را تشکیل می‌دهند. در یک فصل مشترک دارای جذبه‌یی فوق‌العاده‌اند؛ و آن نثر بسیار دلنشین، طراز، یگانه و ویژه ی نگارنده است، که کتاب نخست را به یقین این قلم تبدیل به یکی از بهترین مجموعه داستان‌های دل‌انگیز ادبیات امروز کرده است، و مقدمه‌ی کتاب دوم در ۷۵ صفحه نیز همچنین.

«نقد بی‌غش» شایسته‌ترین و گویاترین عنوانی است که برای این کتاب انتخاب شده است. کتاب شامل گفت‌وگوهایی است که در چند نشست با دکتر پرویز ناتل‌خانلری صورت پذیرفته و چاپ آنها نخست است جمعه ۱۳ مردادماه ۱۳۴۶ در مجله «سپید و سیاه» آغاز شده و تا جمعه ۵ آبان‌ماه همان سال به پایان

یکی از آن گوهرهای گرانبها

رسیده است، و اینک ما آن گفتارها را در کتابی حدود ۳۰۰ صفحه در اختیار داریم. به تقریب هفتاد درصد حجم کتاب متمرکز بر صادق هدایت است و سپس دیدگاه‌ها و خاطرات استاد خانلری است مرتبط با بزرگ علوی، ملک‌الشعرا یبار، نیما یوشیج و صادق چوبک و فصول همه به لحاظ ارزشمندی یاد و نقد برجسته و همسنگ.

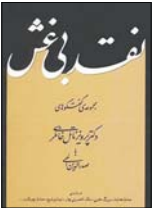
در اصل، عنوان دوم یا فرعی این کتاب را باید «خاطرات ادبی دکتر پرویز ناتل‌خانلری» قلمداد کرد. به اعتقاد این نگارنده، گفتار دکتر خانلری به‌ویژه درباره

صادق هدایت، به خاطر نقش مهم و تعیین‌کننده در تاریخ ادبیات امروز ایران، خود به طور مستقل کتاب یا رساله بسیار دقیق، مستند، موشکافانه و مبتنی بر اصول نقد سنجشگرانه علمی است که در میان همه آثار تالیفی در باب صادق هدایت در ترازِ بالاتر از سایر آثار قرار گرفته است. و این به دو جهت است: ۱- همشینی و دوستی بسیار نزدیک دکتر خانلری با هدایت، و نقشی که به عنوان محرم، همدل، مشاور و ویراستارش از آغاز دوستی

تا مرگ هدایت بر عهده داشته است.

۲- وسعت سواد و بینش موشکافانه و سنجشگر دکتر خانلری به عنوان نویسنده، مترجم، شاعر، منتقد و صاحب‌نظر مؤلف و دژهباب در زوایایی بسیار گونه‌گون، و این همه بر محملی صریح، بی‌روریابستی، صادقانه و روشنگرانه، و اضافه کنیم به این نکات، شیرینی گفتار و نثر دکتر خانلری را که خاطرات و تحلیل‌هایش از هدایت و دیگران را تبدیل به رمان‌گونه‌یی پرکشش، دل‌انگیز و خوش‌خوان کرده است. در پرتو این گفتارها به‌ویژه در باب صادق هدایت، دقیق‌ترین چهره به لحاظ

اخلاقی، رفتاری، سرشت و سرنوشت و چند و چون آثارش در کتاب تصویر شده است و مقنن‌ترین اثر در شناخت درست و بی حُب و بغض هدایت را به دست آیندگان داده است. زنجیره این گفتارها در پس زمینه‌یی که دکتر خانلری طرح افکنده در حکم نورا فکنی است که به عنوان یک منبع تاریخی، رخدادهای ادبی سده ۱۳۰۰، منجمله نقش گروه «سعه» و گروه «ربعه» را تا مقطع آخرین گفتار کتاب، روشن و شیرین و ماندگار و قابل استاد کرده است.



نقد بی‌غش

مجموعه ی گفتگوهای

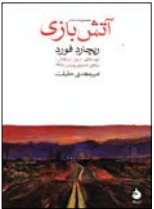
دکتر پرویز ناتل خانلری

با صدرالدین الهی

نشر معین

شما یک‌بار بخوانید

داستان‌ها با نخی باریک که گاهی جغرافیاست، گاهی آدم‌ها و گاهی حتی یک فعالیت انسانی مثل شکارکردن مرغابی به هم ربط پیدا می‌کنند و البته در زیرمتن به‌شدت درهم‌تنیده هستند و این یعنی شما به‌جای یک کشکول با یک مجموعه‌داستان درست‌ودرمان طرف هستید. قصه‌گویی روشن و تمیز است و در دریافت قصه دچار سردرگمی نخواهیم شد اما زیرمتن داستان به راحتی به چنگ نمی‌آید. هر داستان مانند میدان مین بزرگی است که نویسنده،



آتش‌بازی

ریچارد فورد

ترجمه امیر مهدی

نشر ماهی

معرفی آثار تازه آرتور شوپنهاور

هنرهای شوپنهاور، شش کتاب تازه

وامی‌رسد، بسط می‌دهد و ژرفا می‌بخشد، و در زبان و بیان، و در عینیت‌بخشی به مفاهیم در وجه تفکر کاربردی تلاش فراوان به خرج می‌دهد. این فیلسوف تکرور، در این تلاش‌ها بیشتر تحت‌تأثیر رویادهای شخصی زندگی و رنج‌های زیستهٔ عینی و ذهنی خود است، و از آنجاکه نهادهای رسمی زمانهٔ خود را نادیده می‌انگارد و به باد ناسزا می‌گیرد، در روزگار خود با بی‌مهری عجیبی مواجه می‌شود. شوپنهاور به دلیل آنکه از نظر مالی نیز متمکن است، با لحنی تندونیز به مرعیت‌های فکری و دولتی زمانه خود می‌تازد. به هیچ‌کدام گـردن نمی‌نهد و خود را در خلوت کتابخانه‌اش، وقف تبیین «جهانی» می‌کند که از نظر او «همچون اراده و تصور» است، و انسانی که غرق در فقر و نکبت حاصل از تفکر متافیزیکی، در اوج بیماری همه‌گیر و با خوشبختی در سراب آینده‌ای موهوم می‌جوید، بی‌آنکه قادر به درک این نکته باشد که فقط درد ذاتا ایجابی است و همیشه نیز وجود دارد، اما این نیکبختی است که تنها در غیاب آن، تنها در لحظه‌های کوتاه لطیف یا تخفیف آن، خودی می‌نماید و راز خوشبختی یافتن آن لحظات در میان انبوه دردهاست. تجربهٔ ناگامی شخصی در ارتباط درست‌ودرمان با زبان، شوپنهاور را به منتقدی تندونیز در تعریف مناسبات دو جنس تبدیل می‌کند، اما نباید از یاد برد که این روند غیاب زنان از فکر فلسفی و ادبیات، در تداوم سنت فکری

پیش از او بود که او با تلفیق آن با تجربهٔ شخصی و یافته‌هایش در شرق، به آن لحن و رنگی خاص خود داد. تأملات هستی‌شناختی شوپنهاور در باب درد، کسب سعادت و جست‌وجوی خوشبختی، در جهان سراسر درد، با یاری معنوی اندیشوران پیش از وی، تبدیل به مقولاتی ساده و همه‌فهم می‌شوند، که قرارست، به‌جای اندرز دادن یا وعدهٔ آینده‌ای ناپسند و موهوم پیش‌کششیدن، خواننده را مجرب به شگردهایی در شناخت عینی آن مفاهیم کند. او در این میان، در لحظات خاص تفکر در خلوت خویش به گونه‌ای خودکاوی و خودشناسی می‌رسد، و با تأمل در مراحل مختلف زندگی، به تعریفی عینی از مفاهیم پیش‌تر ذهنی و کلی عمر آدمی و کیفیات آن دست می‌یابد.



در این رساله‌ها، مفاهیمی چون سعادت، خودشناسی، اخلاق، آبروی شهسواری، آبروی عام طبقات مختلف، شرف اجتماعی، اعتبار و شهرت هنری، جایگاه زن و مرد، افراد و سنت‌ها و نهاده‌ا و مفاهیم پیشین، از نو تعریف و دسته‌بندی می‌شوند، و خواننده نیز به درک خاصی از آنان در سپهر زندگی می‌رسد. شوپنهاور در این رسالات، به پیروی از حکمای باستان، و در رویکرد ویژه به شرق از جمله به دن بودیسم، دامنهٔ مفاهیم خود را بسط می‌دهد و با زبان تندونیز و برنده، و در عین حال سهل‌وهمتنع، خواننده را مجاب می‌کند که درست است آدمی

برشی از یک بخش کتاب: «...مسأله در این است که نویسنده هرگز نباید خود را از آنچه در دنیای روز می‌گذرد بی‌نیاز بداند، و از احوال جهان اطراف خویش غافل باشد. خصیصه ی برجسته ی هدایت در نویسندگی همین کوشش مداوم و بی‌گیر او برای هماهنگ شدن و هم‌قدم بودن با زمان بود. او لحظه‌ای از خواندن و فراگیری غافل نبود، و همواره سعی داشت که از قافله ی زمانه عقب نماند...» ص ۱۴۲.

■ ■ ■

سال‌ها پیش در جست‌وجوی سنگ قبر یکی از بستگان خود، میان الواح غبارآلود قطعه ۷۳ بهشت‌زهر‌ا سرگردان می‌گشتم. یکباره دو سنگ کنار هم در وهم خاک به چشمم خورد: دکتر پرویز ناتل‌خانلری/ دکتر زهرا ناتل‌خانلری (کیا). خشکم زدا جای آنها نه در قطعه هنرمندان بود، و نه قطعه نام‌آوران؛ نام‌آورانی بودند که درگوشه‌یی از غربت خاک به همسایگی و همسری ابدی یکدیگر خفته بودند. بی گلابه‌یی از جفا‌ها که بر آنها رفت...

قطعه ۷۳، ردیف ۳۰، شماره ۶۶ کنجی در خاک است که آثارش در زمره گرانبهاترین گوهرهای تاریخ ادبیات فارسی است. و مجموعه ی «نقد بی‌غش» یکی از آن گوهرها.

مروار

تولد یک «گزینه اشعار» دیگر

بر پیشخوان شعر نشر مروارید

یک زندگینامه خودنوشت شاعرانه



لیلا کردچیه

● از قابل اعتمادترین کتاب‌های شعری که در سال‌های اخیر، و در این وانفسای چاپ هر اثری توسط هر ناشری، گاهی به‌سودای انتفاع ناشر از جیب مؤلف و گاهی به دلایل دیگر، منتشر می‌شود، گزینه اشعاری است که انتشارات مروارید از نزدیک به سه دهه پیش با دقت بسیار و البته با حسن سلیقه خاص و شاخص، اقدام به انتشار آنها کرده است و پیشخوان شعر این ناشر را تبدیل به پیشخوانی ممتاز و متمایز در شعر امروز کرده است. این البته جدا از مجموعه شعرهای خوبی است که در بیش از نیم‌قرن اخیر به وسیله مروارید منتشر شده است.

در این سلسله «گزینه اشعار»، نام‌های بزرگی از شاعران امروز به چشم می‌خورد که نشان از دقت و توجه ناشر به جایگاه فرهنگی مؤلفان دارد و اینکه صرفاً به‌خاطر شهرت باری به هر دلیل هر مؤلفی، به سراغ او نرفته است، و درست به همین دلیل است که در میان این گزینه‌ها، به نام‌هایی می‌رسیم که گاهی آنها را به مناسبات دیگری چون جامعه‌شناس، استاد فلسفه و... می‌شناسیم و مخاطب شعر امروز وقتی با نام آنها بر پیشخوان «شعر» مواجه می‌شود، حیرت می‌کند.

حال، در ادامه روند انتشار این کتاب‌های ارزشمند، به پنج‌هویکمین شماره این سلسه‌کتاب‌ها، و به نام مهدی مظفری‌ساوجی رسید‌ه‌ایم که در شعر امروز از چهره‌های شاخص، مطرح و بسیار محترم است و آثارش بی‌آنکه خود دغدغه نام داشته باشد، در جایز معتبری درخشیده‌اند و در زمینه شعر نیز، دو کتاب او، یعنی «رنگ‌ها و سایه‌ها» و «باران، انگشت‌های لاغر و غمگین‌اش» توانسته‌اند در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۷ جایزه کتاب سال شعر ایران را از آن خود کنند. از سویی در زمینه تاریخ ادبیات شفاهی و پژوهش، از فعال‌ترین، آگاه‌ترین و بی‌طرف‌ترین پژوهشگران است و آثارش، چه به‌صورت گفت‌وگو با بزرگان ادب و هنر و چه به‌صورت شناخت‌نامه یا پژوهش، از قابل استانداردترین منابع به شمار می‌رود. از طرف دیگر، او را می‌توان از دقیق‌ترین و عمیق‌ترین پژوهشگران شعر امروز به شمار آورد.

«گزینه اشعار» مهدی مظفری‌ساوجی کتابی است شامل گزیده‌ای از هفت مجموعه شعر «آینه‌های رنگ‌پریده»، «رنگ‌ها و سایه‌ها»، «سایه‌ام را بر دیوار جا گذاشته‌ام»، «شب به شیشه می‌زند»، «بیمارستان»، «باران، انگشت‌های لاغر و غمگین‌اش»، «به: شکوفه سپب» و بیست‌وسه شعر از تازه‌های او که هنوز در مجموعه مستقلی منتشر نشده‌اند، به‌همراه مقدمه‌ای که در واقع یک زندگی‌نامه خودنوشتِ شاعرانه و بسیار زیبا و خواندنی است که می‌تواند به‌خوبی مخاطب را با قلم نثر مؤلف نیز آشنا کند. البته مخاطب پیش از اشعار منتخب از کتاب‌های شعر منتشرشده شاعر، به چند شعر با عنوان «نخستین تجربه‌ها» برمی‌خورد که در شناخت سیر تکاملی شعر این شاعر بسیار یاری‌رسان است؛ اشعاری که‌ن‌گرا با زبان فخم خراسانی که علاوه بر اینکه در ترسیم خط سیر دقیق کار شاعر و چگونگی رسیدن او از آن نیمایی‌ها و غزل‌های مظطن و استوار، به سسیده‌های کوتاه مضمون‌محور تصویرگرا، مفید و مهم است، این نکته را نیز یادآور می‌شود که مهدی مظفری‌ساوجی که او را به‌عنوان یک شاعر سپیدسرای تمام‌عیار می‌شناسیم، ریشه در شعر سنتی دارد و نخستین قدم‌های شاعری‌اش را در آب و خاک شعر کهن فارسی برداشته است.

از محاسن این گزینه اشعار، انتخاب شعرها توسط مؤلف است، هرچند اگر شعرها توسط شخصی غیر از مؤلف اثر انتخاب می‌شد نیز محاسنی دیگر داشت، اما انتخاب شعرها توسط مؤلف، می‌تواند مخاطب را نه‌تنها با خط سیر تحول اندیشه و زبان در شعر او آشنا کند، بلکه می‌تواند سلیقه وی را آنجا که ناچار از گزینش شعرهای کمتر و چشم‌پوشی از شعرهای بیشتر است، نشان دهد و در این میان، تعلق‌خاطر شاعر به برخی مجموعه‌ها یا برخی شعرهایش، برای مخاطبی که آثار او را با دقت و وسواس پیکیری می‌کند، بسیار قابل توجه خواهد بود.

این کتاب را امسال انتشارات مروارید در ۲۴۰ صفحه و در شمارگان ۵۵۰ نسخه و با قیمت ۳۶۰۰۰ تومان منتشر کرده است.



گزینه اشعار

مهدی مظفری‌ساوجی

انتشارات مروارید

کتاب

پیشنهاد روزی

مردم بی‌صدا و رسانه‌های اجتماعی

سیاست‌گذاری اجتماعی برای فعالیت مؤثر

رسانه‌های مستقل از دولت، احزاب، اصناف،

سندیکاها، سازمان‌های مردم‌نهاد، از الزامات

شبکه‌ای‌شدن صدهای اجتماعی و کاستن از

خشونت است. اتخاذ سیاست‌های «حذف و انکار»

رسانه‌های دولتی، درواقع همان خشونتی است که

از سوی رسانه‌ای اعمال می‌شود و مخاطب، سپری

برای آفاق و پایی برای گریز در خود نمی‌بیند؛ جز

پرهیز و گریز که منجر به بازتولید خشونت می‌شود.

البته که این رادیکالیزه‌شدن، در تداوم مواجهه و

طرد شکل می‌گیرد و خشونتی بی‌چهره و بی‌شکل

از فرایند حذف شهروند- مخاطب را معنا می‌بخشد.

به تعبیر دیگر آنها همچنان که رسانه دولتی، برای

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی